

Analysis of Surah Al-Ahzab Based on the Keyword ObedienAbstrac

Hamideh Hasani Hoseinabadi^{*}, Delara Nemati Pirali^{}**

Susan Alerasol^{*}, Abdolmajid Talebtash^{****}**

Abstract

In the analysis of the literary text, its important components and how those components function in the text can be discovered. In this article, which is the result of an extensive research on Surah Ahzab, this Surah has been examined as an independent and complete text based on the rules of literary text analysis. The central theme of Surah Al-Ahzab, which has been determined according to the rules of text analysis, is obedience to God and the Messenger, and therefore the key word of the Surah is also obedience, and words such as obedience such as obedience, submission, and qunut also seek to instill messages related to obedience. The purpose of this surah is to reform the lifestyle of believers in the shadow of obedience to God, the Messenger and those who are purified from impurity. Therefore, in addition to the perfect fit between the verses, people who are obedient and approved by God have been introduced. In this research, based on the keyword of obedience, the contexts of Surah Al-Ahzab have been analyzed, and in addition to proving the coherence of the Surah, the result of obedience to religious and

* Ph.D. in Quran and Hadith Sciences, Faculty of Quran and Hadith Sciences, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj-Iran, Hasani5959@yahoo.com

** Associate Professor of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Quran and Hadith Sciences, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran (Corresponding Author), dlmemati@gmail.com

*** Ph.D. in Islamic Sufism, Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Quran and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Karaj-Iran, susan_alerasol@yahoo.com

**** Ph.D. in Quran and Hadith Sciences, Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Shiraz Branch, Fatemeh Institute of Higher Education, Shiraz-Iran, talebtash@yahoo.com

Date received: 2022/12/30, Date of acceptance: 2023/03/02



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

non-religious prayers has also been obtained. The researches conducted on Surah Al-Ahzab have not analyzed this Surah in such a way so far, and for this reason, it is considered an innovation for this research.

Keywords: Text analysis, Surah Al-Ahzab, central topic, obedience, thematic coherence.

تحلیل سوره احزاب براساس واژه کلیدی اطاعت

حمیده حسنی حسین آبادی*

دل آرا نعمتی پیرعلی**، سوسن آل رسول***، عبدالمجید طالب‌تاش****

چکیده

در تحلیل یک متن ادبی، اجزای مهم آن و نحوه کارکرد آن اجزا در متن قابل کشف است. در مقاله حاضر که حاصل بخشی از تحقیق گسترده‌ای درباره سوره احزاب می باشد، این سوره به عنوان یک متن مستقل و تام بر اساس قواعد تحلیل متن ادبی مورد بررسی قرار گرفته است. موضوع محوری سوره احزاب که با توجه به قواعد تحلیل متن، تعیین شده است، اطاعت از خدا و رسول است و لذا لفظ کلیدی سوره نیز اطاعت است و الفاظ نظیر اطاعت همچون تبعیت، تسلیم و قنوت نیز در صدد القای پیامهایی مرتبط با اطاعت هستند. غرض این سوره اصلاح سبک زندگی مؤمنین در سایه اطاعت از خدا، رسول و مطهرین از رجس است از این رو در ضمن تناسب کاملی که میان آیات وجود دارد، افراد مطاع و مورد تأیید الله معرفی شده‌اند. در این تحقیق بر اساس واژه کلیدی اطاعت، سیاق‌های سوره احزاب مورد تحلیل قرار گرفته که علاوه بر اثبات انسجام سوره، حاصل و نتیجه اطاعت از

* دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد، کرج-ایران،

hasani5959@yahoo.com

** دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآن و حدیث، واحد

کرج، دانشگاه آزاد، کرج-ایران (نویسنده مسئول)، dlrmemati@gmail.com

*** دکترای عرفان اسلامی، استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآن و حدیث، واحد کرج،

susan_alerasol@yahoo.com کرج-ایران،

**** دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد شیراز، موسسه آموزش عالی

فاطمیه، شیراز-ایران، talebtash@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱



مطاع‌های ایمانی و غیر ایمانی نیز به دست آمده است. پژوهش‌های انجام شده در سوره احزاب تاکنون با چنین شیوه‌ای به تحلیل این سوره نپرداخته‌اند و از این جهت، نوآوری برای این پژوهش محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تحلیل متن، سوره احزاب، موضوع محوری، اطاعت، انسجام موضوعی.

۱. مقدمه

تحلیل یک سوره را به روش‌های مختلفی می‌توان انجام داد. یکی از این روش‌ها، تحلیل سوره بر اساس واژه کلیدی سوره می‌باشد. برای انجام این کار لازم است که بر اساس قواعد تحلیل متن، موضوع محوری سوره انتخاب شده و بر اساس تحلیل سیاق‌های موجود در سوره و ردیابی موضوع محوری در هر سیاق، آیات کلیدی هر سیاق که در راستای موضوع محوری سوره القای پیام می‌کنند، کشف شوند؛ سپس بر اساس موضوع محوری یا آن مفهومی که در سرتاسر سوره مطرح شده است، کلمه کلیدی سوره و به تناسب آن، کلمات متناظر و متقابل آن تعیین شده و متن سوره به عنوان یک کل منسجم یکپارچه متحد، مورد بررسی قرار گیرد. تناسب و ارتباط وثیق همه آیات در درون یک سوره و ارتباط مفهومی و موضوعی سیاق‌ها با یکدیگر از سوی دیگر، پیش فرض‌های این روش تحقیق می‌باشند. از این رو می‌توان گفت هدف از انجام این تحقیق اثبات انسجام موضوعی سوره احزاب و همچنین کشف ارتباط موجود میان برخی از آیات مشهور سوره با موضوع محوری آن است. مزیت چنین تحلیلی این است که تمرکز بر واژه کلیدی و تحلیل سیاق‌ها و سوره بر اساس آن، منجر به درک عمیق‌تری از انسجام موضوعی در سوره قرآن خواهد شد.

موضوع محوری سوره احزاب با توجه به قواعد تحلیل متن، اطاعت از خدا و رسول و مطهرین از رجس است و کلمه کلیدی این سوره واژه اطاعت می‌باشد. این پژوهش سعی دارد بر اساس واژه کلیدی اطاعت، به تحلیل سیاق‌های سوره احزاب بپردازد و هدف آن این است تا با کشف انسجام موضوعی سوره، به لوازم و نتایج اطاعت از خدا و رسول دست یابد.

تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره سوره احزاب انجام گرفته است اما تحلیل متن سوره احزاب بر اساس واژه کلیدی اطاعت، پژوهشی جدید در راستای تفسیر سوره قرآن کریم و تحلیل موضوعی سوره مبارکه احزاب است.

۲. قواعد تحلیل متن

تحلیل عبارت است از دست‌یابی به کارکرد واحدهای کوچکتر که در درون واحد بزرگتر سامان یافته‌اند. در تحلیل، تأکید روی کارکرد اجزاء است و در واقع تحلیل در مقام پاسخگویی به یک سؤال است: الگوی ساخت (انتخاب و ترکیب) و نقش اجزاء چیست؟ (پاکتچی، ۱۳۹۶: ۱۴۵-۱۴۶) بدون تردید راه‌یابی به کارکرد اجزاء در گرو یافتن غرض متن است و در مورد قرآن کریم، یافتن غرض سوره مقدمه‌ای بر بررسی‌های تحلیلی متن سوره از حیث کارکردهای اجزاء آن یعنی الفاظ به کار رفته در سوره است.

قرآن‌پژوهان با دو رویکرد توصیفی و استدلالی به کشف غرض سوره‌های قرآن پرداخته‌اند. در رویکرد استدلالی مفسر تلاش می‌کند با تکیه بر شواهد درون متنی و برون متنی، غرض سوره را کشف و کیفیت راه‌یابی به غرض سوره را به طور مستدل بیان کند. (خامه‌گر، ۶۸) امتیاز اصلی این رویکرد آن است که علاوه بر توجه به محتوای سوره و سیاق لفظی و معنایی آیات، به همه عناصر درون متنی و برون متنی سوره و حجم کمی و جهت‌گیری محتوایی آیات نیز توجه می‌شود. (خامه‌گر: ۴۳۱) بطور خلاصه چنین کنکاشی در سوره قرآن، تحت قواعدی معین است که قواعد تحلیل متن نامیده می‌شوند و عبارتند از:

۱. توجه به سیاقها و مفهوم مشترک بین آنها

۲. توجه به عناصر درون متنی

۳. توجه به عناصر برون متنی

بر اساس این قواعد می‌توان موضوع محوری سوره و به تبع آن آیات مهم و مؤثر در انتقال آن موضوع را ردیابی نمود.

۳. موضوع محوری سوره احزاب

توجه به عناصر درون متنی از جمله آیات ابتدایی و انتهایی سوره، تکرار لفظی در سوره یا تکرار معنای آن لفظ در قالب الفاظ نظیر، تکرار اسماء الهی و مواردی از این دست نظیر طرح و بیان شخصیت‌ها و مختصات متعدد در قصه‌ها، موجب می‌گردد که محتوای سیاقها و نیز جهت‌گیری آنها برای طرح موضوعی خاص یا مفهومی مشترک در سرتاسر سوره، رخ نموده و طرح کلی سوره در ارتباط با موضوعی خاص، خود را جلوه‌گر سازد. بر این اساس می‌توان آیات مؤثر در آن موضوع خاص در هر سیاق را شناسایی نمود و تناسب و ارتباط منطقی آن

آیات را در سرتاسر سوره مورد توجه قرار داد. در مرحله بعد می‌توان از حیث موضوعی، نحوه ارتباط این آیات وابسته را مورد توجه قرار داده و موضوع محوری سوره را که همه آیات وابسته، حول آن می‌چرخند شناسایی نمود. این آیات وابسته و مرتبط با یکدیگر، آیات کلیدی و آن موضوعی که در این آیات مشترکند، موضوع محوری سوره، نام گرفته‌اند.

با توجه به آیات ابتدایی سوره «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ... وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» (احزاب/۱-۳) و مطرح ساختن سلبی و ایجابی اطاعت، می‌توان این موضوع را با حساسیت بیشتری در سوره پی‌گیری نمود. با توجه به این که در آیه ۷۱ که دو آیه پیش از اتمام سوره است و اطاعت از الله و رسول را مطرح کرده است «... وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» (احزاب/۷۱) این ظن تقویت می‌شود که یکی از موضوعات مورداهتمام سوره، اطاعت باشد. در پی‌گیری این موضوع در سرتاسر سوره با آیاتی مواجه می‌شویم که موضوع اصلی و مهم آنها اطاعت است. این آیات عبارتند از: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» (احزاب/۶) و «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...» (احزاب/۲۱) و آیات ۲۸-۳۳ که اطاعت همسران رسول از آن حضرت را مطرح کرده است و در عبارت «...وَاطِئِنَّا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ...» در همین آیه به صراحت وظیفه آنان در مطیع بودن از خدا و رسول مطرح شده و در جملات انتهایی این آیه علاوه بر خدا و رسول، الگوهای دیگری که شایستگی مطاع بودن هم پایه با خدا و رسول را دارا هستند، بطور صریح معرفی شده‌اند «...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب/۳۳)

آیه «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ...» (احزاب/۳۶) که اطاعت از خدا و رسول را مطرح نموده و آیه «... وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ...» (احزاب/۳۷) که در خطاب به رسول خداست و امر به اطاعت از الله را مورد تأکید قرار داده و تا آیه ۴۰ بر همین امر تأکید می‌ورزد، در آیات ۴۵-۴۷ داعی و راهنما بودن رسول و فوز و فلاح پیروی کنندگان از آن حضرت مطرح شده، در آیه ۴۸ «وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ...» عدم اطاعت از کافرین و منافقین مطرح شده و در آیات ۵۰-۵۲ احکامی برای رسول خدا مطرح شده که آن حضرت موظف به اطاعت از آنهاست و در ادامه سوره خطابهایی به مؤمنین شده که ملزم به اطاعت از برخی احکام شرعی شده‌اند و در آیه ۶۶ «يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ» و آیه ۶۷ «وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا» نتیجه اطاعت از غیر خدا و رسول مطرح شده و در آیه ۷۰ «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

تحلیل سوره احزاب براساس واژه ... (حمیده حسنی حسین آبادی و دیگران) ۳۱

«تَّقُوا اللَّهَ..» امر به تقوای الهی شده و آن را در آیه ۷۱ اطاعت از الله و رسول معرفی کرده و حاصلش را فوز عظیم اعلام نموده است «.. وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» و در آیه ۷۲ که آیه پیش از آخرین آیه سوره است، عرضه امانت به انسان مطرح شده است که عبارت است از سلوک در طریق حق و کمال (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵۲۵:۱۶) که جز از راه اطاعت از الله و رسول امکان پذیر نیست و در آخرین آیه از سوره هم فرموده که خداوند به مؤمنین توجه داشته و آنان را مشمول غفران و رحمت خویش قرار می دهد «...وَ يُتُوبَ اللَّهُ عَلَی الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب/۷۳). با طی چنین روندی در سوره به سادگی می توان دریافت که یکی از مهمترین موضوعات سوره، اطاعت از خداوند و رسول خداست. از این رو با این فرض و بر اساس این نگاه می توان اطاعت را موضوع محوری سوره تلقی نمود. گرچه ممکن است به اعتبارهایی دیگر بتوان موضوع دیگری را موضوع اصلی سوره دانست اما در این نوشتار براساس آیات ابتدایی و انتهایی سوره و اتصال موضوعی آیاتی در سرتاسر سوره با آنها، می توان اطاعت را موضوع محوری سوره فرض کرد.

۴. کلمه کلیدی سوره احزاب

بر اساس قواعد تحلیل متن و توجه به عناصر درون متنی در سوره احزاب، موضوع اطاعت از الله و رسول و کسانی که از هرگونه رجس مطهرند، موضوع محوری سوره احزاب لحاظ شده است. از این رو واژه اطاعت را می توان لفظ کلیدی سوره فرض کرد و نحوه بکارگیری این لفظ و نیز الفاظ نظیرش را در سوره مورد بررسی قرار داد.

۱.۴ واژه شناسی اطاعت

«الطَّوْعُ» انقیاد و فرمانبری است و نقطه مقابلش کره یعنی نافرمانی است. «طَاعَةٌ» مثل طوع است ولی طاعه بیشتر در فرمانبرداری با رأی و اختیار است در آنچه که امر شده است و دعا کردن و خواندن خدا هست به بزرگی در آنچه که منظور شده است. معنی دقیق طاعت همان به بزرگی یاد کردن خدای و تسبیح و تنزیه اوست. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۳۱۰:۱) فراهیدی گفته است: «الطَّاعَةُ» اسمی است که مصدرش الإِطَاعَةُ است و به معنی انقیاد می باشد. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۲:۲۰۹) مصطفوی می گوید: اصل واحد در ماده، همان عمل به آنچه که آن را امر و حکم با رغبت و خضوع اقتضا می کند، می باشد پس برای آن سه قید است: رغبت،

خضوع و عمل بر طبق امر. هرگاه از رغبت و تمایل فاقد شود کبره بر آن تصدیق می‌کند چه اینکه خضوع حاصل شود یا عمل شود یا نشود. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۷: ۱۳۷) واژه طوع همراه مشتقاتش ۱۲۹ مرتبه در ۱۱۸ آیه آمده است که این آیات در ۴۰ سوره واقع شده‌اند. در سوره احزاب واژه اطاعت ۷ مرتبه در ۶ آیه واقع شده است. اطاعت در سوره احزاب در آیات ۱ و ۴۸ در معنای نهی از اطاعت کافران و منافقان «وَلَا تُطِيعُ الْكٰفِرِيْنَ وَ الْمُنٰفِقِيْنَ»، در آیه ۳۳ و ۷۱ در معنای اطاعت از خدا و رسول «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ»، در آیه ۶۷ در معنای حسرت و ندامت کافران در قیامت، به خاطر مطیع خدا و رسول نبودن در دنیا «بَلَّيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَ أَطَعْنَا الرَّسُولَ» و در آیه ۶۸ «إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَ كِبْرَاءَنَا» در معنای اطاعت از مطاع غیر ایمانی آمده است.

۵. واژگان متناظر با اطاعت در سوره احزاب

۱.۵ تبعیت

تبعیت از تبع و اتباع به معنی پیروی است. خواه به طور معنوی باشد مثل «فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره/۳۸) و خواه بطور محسوس و دنبال کردن مانند «فَاتَّبِعْهُمْ فَرِعُونَ وَ جُنُودُهُ». (یونس/۹۰) (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۶۶) طریحی (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۳۰۵) و ابن فارس (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱: ۳۶۲) نیز تبعیت را به دو معنای پشت کسی رفتن و پیروی آورده‌اند.

در سوره احزاب این واژه در آیه ۳ «وَ اتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ اِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» آمده است که امر به تبعیت از وحی الهی شده است. نزدیک‌ترین واژه متناظر به واژه اطاعت، واژه تبعیت می‌باشد؛ اما اطاعت اعم از تبعیت است که این مطلب از آیه ۲۸ سوره کهف فهمیده می‌شود «وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَ الْعِشِيِّ يُرِيْدُوْنَ وَجْهَهُ وَ لَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيْدُ زِينَةَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَ لَا تُطِيعْ مَنْ اَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَ كَانَ اَمْرُهُ فُرُطًا» (کهف/۲۸) در این آیه از اطاعت کسانی که تابع هوای نفسشان هستند نهی شده است که نشان دهنده این است که اطاعت در برگیرنده تبعیت است بنابراین بار معنایی اطاعت با تبعیت متفاوت است. ابتدا بایستی تبعیت و همراهی محقق شود سپس در ضمن همراهی با مطاع، اطاعت از اوامر و پرهیز از نواهی محقق شود.

در سوره طه، اطاعت و تبعیت همنشین شده‌اند «وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي» (طه/۹۰) در این آیه ابتدا تبعیت و سپس اطاعت آمده است. «اتَّبِعُونِي» یعنی بر دین من باشید که همان حق است و «أَطِيعُوا أَمْرِي» یعنی امر مرا در آنچه که شما را به آن امر کرده‌ام اطاعت کنید و آنچه شما را از آن نهی کرده‌ام ترک کنید. (حوی، ۱۴۲۶، ج ۷:۳۳۸۳) پس تبعیت همراهی با مطاع و پیروی از ملت و آیین است و اطاعت در مرتبه بالاتر از تبعیت است یعنی در حوزه اطاعت از اوامر و نواهی مطاع است.

۲.۵ تسلیم

طریحی در معنای استسالم، خضوع و انقیاد را آورده است. (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۶:۸۴) ابن منظور می‌گوید: اسلام و استسلام به معنای انقیاد است و اسلام اظهار خضوع و اظهار شریعت و التزام به آنچه نبی آورده، می‌باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۹۴) انقیاد همان خضوع و پذیرش اطاعت از دیگری است؛ بنابراین واژه تسلیم از نظر معنایی متناظر واژه اطاعت می‌باشد. این واژه با مشتقاتش ۱۴۰ مرتبه در قرآن کریم آمده است که از این تعداد ۶ مرتبه در ۴ آیه از سوره احزاب واقع شده‌اند در این میان آیه ۴۴ سوره احزاب شامل واژه «سلام» از مشتقات سلم است که به معنی سلامت و امنیت در بهشت است اما در سه آیه دیگر به معنای تسلیم آمده است. اسلام در قرآن دارای مراتب است، مرتبه اول اسلام در حد شهادتین است «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»، (حجرات/۱۴) که این مرحله از تسلیم قبل از اطاعت قرار می‌گیرد. این مرتبه در آیه ۳۵ سوره احزاب نیز مشهود است «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ...»؛ (احزاب/۳۳) زیرا در این آیه ابتدا از واژه مسلم و سپس مؤمن استفاده کرده است و مقابله این دو واژه نشان از تفاوت آنهاست چون اسلام تسلیم عملی برای دین و ایمان امری قلبی است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶:۳۳۴)

عالی‌ترین مرتبه اسلام، مقام تسلیمی است که حضرت ابراهیم و اسماعیل از خداوند درخواست کردند «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ...» (بقره/۱۲۸) چون حضرت ابراهیم مدتها پیش از این دعا پیامبر بود و اسماعیل نیز یک موحد واقعی و در دین

پدرش بود، بنابراین منظور آنها از «مُسْلِمِينَ» مسلمان ساده و عادی نبود بلکه منظورشان حد اعلای تسلیم و نخبه و ممتاز بودن در اسلام بود. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱:۲۴۱) این مرتبه از تسلیم اعم از اطاعت از خدا و رسول است. لازم به ذکر است اسلام واقعی یا تسلیم در حد اعلا با ایمان تفاوتی ندارد «فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۳۵﴾ فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (ذاریات/۳۵-۳۶) وقتی مسلمین همان مؤمنین هستند پس اسلام و ایمان تفاوتی ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج ۷:۶۷)

در سوره احزاب مرتبه بالای تسلیم در آیه ۲۲ و ۵۶ آمده است «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا» (احزاب/۲۲) در این آیه معنای تسلیم این است که آنها با همه جوارحشان تسلیم جمیع قضا و قدر الهی بودند. (بقاعی، ۱۴۲۷، ج ۶:۹۲) در آیه ۵۶ «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب/۵۶) که دو مشتق از سلم آمده است به تسلیم امر شده که این امر با مفعول مطلق، تأکید شده است. قبلا بیان شد که مؤمنان مرحله اول تسلیم را گذرانده‌اند؛ بنابراین اسلام یا همان تسلیم در درجه عالی زمانی است که فرد کاملاً مطیع خدا و رسول است در نتیجه می‌توان گفت این مرحله از تسلیم اعم از اطاعت خدا و رسول است؛ یعنی فردی که در درجه عالی تسلیم است قطعاً مطیع خدا و رسول نیز می‌باشد.

۳.۵ قنوت

قنوت از «قنت» به معنای طاعت خدا و فرمان‌برداری از اوست. (زمخشری، ۱۳۸۶، ۱۲۳) سپس به هر استقامتی در طریق دین قنوت گفته شده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵:۳۱) راغب قنوت را به معنای طاعت و پرستش همراه با خضوع و فروتنی آورده است که گاهی به هر یک از دو واژه طاعت و خضوع به تنهایی نیز تفسیر شده است، مانند آیات «وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» (بقره/۱۳۸) و «كُلُّ لَهٗ قَانِتُونَ» (بقره/۱۱۶) (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ج ۱:۴۱۳)

در سوره احزاب واژه قنوت در دو آیه آمده است. در آیه ۳۱ «وَمَنْ يَفْتَنُ مِنْكُمْ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا» (احزاب/۳۱) که در ادامه آیات مربوط به همسران پیامبر(ص)، قرار گرفته و بیان می‌کند هرکسی فرمانبردار خدا و رسولش باشد و عمل صالح انجام دهد خداوند اجرش را دو برابر قرار می‌دهد. بسیاری از مفسران قانت بودن در این آیه را به معنای اطاعت (زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۷:۲۲ و ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۸:۳۳) یا مداومت بر

تحلیل سوره احزاب براساس واژه ... (حمیده حسنی حسین آبادی و دیگران) ۳۵

طاعت (طنطاوی، ۱۹۹۷، ج ۱۱:۲۰۴ و سبزواری، ۱۴۰۶، ۴۲۷) تفسیر کرده‌اند. در آیه ۳۵ واژه «قانت» پس از واژگان «مسلم» و «مؤمن» واقع شده است «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ ...» (احزاب/۳۵) که این ترتیب، نشان دهنده این است که پس از اسلام و ورود ایمان به قلب، با مداومت بر اطاعت الهی، فرد به درجه قانت می‌رسد. (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۶:۳۶۰) آیه ۳۱ در سیاقی واقع شده که به امر از اطاعت خدا و رسول تصریح شده و آیه ۳۵ در سیاق بعد از آن واقع شده که موضوع آن مؤمنین و مسأله اطاعت است و در آیه ۳۶ سیاق، عصیان از رسول و گمراهی مبین را بیان نموده که همه اینها نشان از ارتباط قنوت و اطاعت دارد. قنوت همان اطاعت خاضعانه است و وقتی فرد در اطاعت از خدا و رسول مداومت داشته باشد به او قانت گفته می‌شود. (طیب، ۱۳۶۹، ج ۱۰:۴۹۸)

۶. واژگان متقابل با اطاعت در سوره احزاب

۱.۶ کفر

کفر به معنای پوشش و پوشاندن است بر همین اساس به کشاورز که بذر را در زمین پنهان می‌کند، کافر گفته‌اند. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ج ۱:۴۱۳) این واژه با مشتقاتش ۵۲۵ مرتبه در قرآن به کار رفته است (کیان‌زاد، ۱۳۸۰، ص ۵۲۵) که از این تعداد، ۴۸ مرتبه در همنشینی با واژه اطاعت می‌باشد. در سوره احزاب نیز واژه کفر در همنشینی با اطاعت واقع شده است که در دو آیه ۱ «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (احزاب/۱) و ۴۸ «وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذُنَهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا» (احزاب/۴۸) می‌باشد. در این دو آیه از اطاعت کافران و منافقان نهی شده است. مراد از کافران کسانی هستند که کفر را آشکار می‌کنند؛ زیرا روبروی منافقین قرار گرفته‌اند. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۱:۱۷۹) در سیاق آخر سوره نیز واژه اطاعت و کافر واقع شده‌اند «إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا * خَلِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا * يَوْمَ تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ» (احزاب/۶۴-۶۷) در آیه اول خداوند کافران را مورد لعن خود قرار داده و جایگاه آنها را سعیر معرفی می‌کند سپس بیان می‌کند کافران در این سعیر ولی و نصیری ندارند و هنگامی که خداوند چهره آنها را در آتش دگرگون می‌کند، می‌گویند کاش ما

خدا و رسول را اطاعت کرده بودیم که این مطلب نشان دهنده این است که کافران در اطاعت از خدا و رسول کوتاهی کرده‌اند و این مطلب تقابل دو واژه اطاعت و کفر را بیان می‌کند.

۲.۶ عصیان

عصیان از عصبو به معنای نافرمانی و خارج شدن از اطاعت است. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۳۳۷) ابن فارس عصیان را از عصى با دو معنای اصلی عصا (چوبدستی) و نافرمانی و معصیت آورده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴: ۳۳۴) زمخشری «العصیان» را ترک اطاعت اوامر شارع می‌نامد. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۳۶۳) فخر رازی ایمان کامل را جمع بین تصدیق به قلب، اقرار به زبان و عمل به احکام دین و واژه‌های سه گانه - کفر، فسوق و عصیان را در مقابل و متضاد آن دانسته و عصیان را عدم اطاعت از امر خدا و پیامبر (ص) می‌گیرد. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰۲: ۲۸)

این واژه با مشتقاتش ۳۲ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است. (کیان‌زاد، ۱۳۸۰، ص ۴۰۱) در سوره احزاب نیز این واژه در آیه ۳۶ به کار رفته است: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُمِئِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا» (احزاب/۳۶) در این آیه نتیجه نافرمانی از خدا و رسول را ضلال مبین بیان می‌کند. از آنجا که نتیجه نافرمانی از خدا و رسول یکی شمرده شده است، مشخص می‌شود نافرمانی از رسول در حد نافرمانی از خداست. پس ترک اطاعت از خدا و رسول، همان عصیان محسوب شده و گمراهی آشکار را در پی دارد.

۷. جمع‌بندی کاربرد معنای اطاعت در سوره احزاب

در بررسی فوق مشخص شد واژگان تبعیت، تسلیم و قنوت، متناظر با اطاعت در این سوره هستند و کفر و عصیان واژگان متقابل با اطاعت می‌باشند. با بررسی این میدان معنایی، معنای اطاعت به دست می‌آید. اطاعت به معنای فرمان‌برداری از مطاع، یعنی خدا و رسول و مطهرین از هرگونه رجس می‌باشد که این فرمان‌برداری آمیخته با خضوع یا همان قنوت است و دارای مراتب بوده و عالی‌ترین مرتبه آن عبارت است از تسلیم شدن برای خدا و رسول، تسلیمی که در اعلی درجه است و با ایمان برابر شده است و اعراض از اطاعت مطاع، انسان را در زمره کافران قرار می‌دهد و نتیجه نافرمانی از خدا و رسول، گمراهی آشکار خواهد بود.

۸. تحلیل سیاق‌ها براساس واژه کلیدی اطاعت

۱.۸ سیاق اول: اطاعت از خدا

سیاق اول سوره احزاب شامل آیات ۱ تا ۸ است. سیاق، با امر پیامبر به تقوا و نهی از اطاعت کفار و منافقان، آغاز می‌شود و بلافاصله پس از این آیه پیامبر را به تبعیت از وحی الهی و توکل بر خدا امر می‌کند. علتی که علامه برای مطیع کافران نبودن بیان می‌کند این است که بیم آن می‌رفته که اسباب ظاهری بر وفق آن کمک کند، مگر آنکه خدا بخواهد جلو آن اسباب را بگیرد؛ لذا رسول خدا (ص) از اجابت کفار نسبت به خواهششان نهی شده، و امر شده از آنچه به او وحی شده تبعیت نماید و از کسی نه‌راسیده و بر خدا توکل کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶: ۲۷۴) در اینجا اطاعت و تبعیت در دو آیه متوالی قرار گرفته‌اند «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَ لَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا * وَ اتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (احزاب/۱-۲) که مشخص می‌کند تبعیت و اطاعت لازم و ملزوم یکدیگرند. معنای اطاعت عبارت از رغبت، خضوع و میل به امر است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۷: ۱۳۷) یعنی در اطاعت، نسبت به مطاع خضوع وجود دارد و خداوند در نهی از اطاعت از کفار و منافقین می‌خواهد خضوع برای آنها را حذف کند؛ زیرا فقط خداوند و رسول و اولی‌الامر شایسته خضوع و فرمانبری می‌باشند و این امر بارها در قرآن بیان شده است. نکته دیگر اینکه تبعیت، خود را شبیه محبوب کردن و همراه شدن با اوست «فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي». (ابراهیم/۳۶)

ابتدای آیه ۴ بیان می‌کند که انسان یک قلب بیشتر ندارد و این قلب جز عشق یک معبود نمی‌گنجد، آنها که دعوت به شرک و معبودهای متعدد می‌کنند، باید قلبهای متعددی داشته باشند تا هر یک را کانون عشق معبودی سازند! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷: ۱۹۳) در این آیه خداوند دو رسم جاهلی تبنی وظهار را نیز نفی می‌کند. نفی این دو رسم جاهلی در کنار آیات امر به تبعیت از وحی الهی و نهی از اطاعت کافران و منافقان بیانگر این است که یکی از نتایج اطاعت از کافران و منافقان پذیرش خرافات و رسوم جاهلی می‌باشد.

در آیه ۶ سیمتی بالاتر از پدر یعنی ولایت عامه را برای رسول خدا (ص) نسبت به مسلمانان وضع می‌کند «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» چنان‌که همسران آن حضرت را با عنوان أم‌المؤمنین «وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» معرفی می‌کند. معنای اولی بودن رسول خدا (ص) به مؤمنین از خود مؤمنین این است که پیامبر نسبت به مؤمنین از خود مؤمنین اختیاردارتر است و معنای اولویت این است که فرد مسلمان هر جا امر را دائر بین حفظ منافع رسول خدا (ص) و حفظ

منافع خودش دید، باید منافع رسول خدا (ص) را مقدم بدارد. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶:۲۷۶) در ابتدای سیاق از اطاعت کافران و منافقان نهی شده و در پایان سیاق، فردی که باید مطاع باشد معرفی می‌شود؛ هرچند مخاطب نهی، پیامبر است اما این نهی بیانگر این نکته است که وقتی پیامبر از اطاعت این دو گروه نهی شده و خودش به عنوان فردی که اولی به نفس مؤمنین است، معرفی شده است دیگر جایی برای اطاعت مردم از این افراد باقی نمی‌ماند. این سیاق، ابزار و لوازم مطیع خدا و رسول بودن را معرفی می‌کند، تقوا، تبعیت از وحی و توکل بر خدا از لوازم اطاعت از خدا و رسول است. شاید این سؤال مطرح شود که تبعیت از وحی برای رسول مطرح بوده و اینک که وحی الهی منقطع شده این ابزار در دسترس نیست اما خداوند جواب سؤال را در پایان سیاق بیان کرده است. خداوند با معرفی پیامبر به عنوان کسی که اولی به نفس مؤمنین است در واقع لزوم تبعیت از رسول را بیان می‌کند و این مطلب در سرتاسر سوره با آیات اسوه (آیه ۲۱)، تطهیر (آیه ۳۳) و صلوات (آیه ۵۶) تأکید می‌شود. نتیجه دیگر این سیاق این است که برای مطیع خدا و رسول شدن ابتدا باید همه مطاع‌ها حذف شوند و خدا و رسول باقی بمانند همانند توحید که نفی همه طواغیت و رسیدن به خدای یگانه می‌باشد.

۲.۸ سیاق دوم: وفای به عهد و صدق ایمان

سیاق دوم که شامل آیات ۹ تا ۲۷ است غزوه احزاب و بنوقریظه و امدادهای غیبی و نصرت الهی را یادآور شده و سختی‌ها و صحنه‌های جنگ را با به کارگیری صنایع ادبی به زیبایی ترسیم می‌کند. در این جنگ منافقان و افراد بیماردل که وعده خدا و رسول را فریب می‌دانستند، به بهانه حفاظ نداشتن خانه‌هایشان از پیامبر اجازه بازگشت به خانه را می‌خواستند در حالی که قصدی جز فرار نداشتند، (احزاب/۱۳) اما مؤمنان ثابت‌قدم و راستین نه تنها از ایمانشان کاسته نشد، بلکه بر ایمان و تسلیم آنان نیز افزوده گردید. (احزاب/۲۲) نکته جالب در این سیاق این است که خداوند رسول خدا (ص) را که در سیاق قبل اولی به نفس مؤمنین معرفی شده، یک اسوه و الگو برای مؤمنین معرفی می‌کند؛ برای آن دسته از مؤمنینی که به خدا و آخرت امید دارند. علامه در این مورد بیان می‌کند که تأسی به رسول خدا (ص) صفت حمیده و پاکیزه‌ای است که هر کسی که مؤمن نامیده شود بدان متصف نمی‌شود، بلکه کسانی که این صفت پسندیده متصف می‌شوند که متصف به حقیقت ایمان باشند، کسانی که امیدشان به خدا است و هدفشان خانه آخرت است، در نتیجه عمل صالح می‌کنند و با این حال بسیار به یاد خدا می‌باشند و هرگز از پروردگار خود غافل نمی‌مانند و نتیجه این توجه دائمی،

تحلیل سوره احزاب براساس واژه ... (حمیده حسنی حسین آبادی و دیگران) ۳۹

تأسی به رسول خدا (ص) در گفتار و کردار است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶:۲۸۹) علامه نتیجه صفت بیان شده در آیه را تأسی به رسول خدا می‌داند اما می‌توان گفت کسانی به تأسی از رسول و در نهایت اطاعت از او موفق می‌شوند که به خدا و آخرت امید دارند.

بیان اسوه بودن پیامبر در سیاق مربوط به جنگ بیان کننده این مطلب است که یکی از موارد مهم تأسی به ایشان در جنگ‌ها است؛ زیرا جنگ امتحان بزرگ و سختی است که ممکن است ایمان مؤمن را دچار لغزش کند همان‌طور که خداوند با این آیه بیان نموده است «هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَ زُلْزِلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا» (احزاب/۱۱) تکرار واژه زلزال و واژه شدید پایان آیه گواه بر ترس شدید مؤمنان است همان‌طور که اکثر مفسران به آن اشاره کرده‌اند. (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۱: ۲۰۶ و مراغی، ج ۲۱:۲۴۰) تأسی به رسول مطرح شده است.

در جنگ یعنی همان‌طور که پیامبر در جنگ‌ها شجاعانه می‌جنگید و از کثرت دشمن هراسی به دل راه نمی‌داد و به دشمن پشت نمی‌کرد، مؤمنان نیز باید همان‌گونه باشند و این مطالب در خلال آیات این سیاق

۳.۸ سیاق سوم: همسران پیامبر و مسئله اطاعت

آیات ۲۸ تا ۳۵ سیاق سوم را تشکیل می‌دهند که موضوع اطاعت از پیامبر در منزل و توسط همسرانش را بیان می‌کند. در ابتدا از مخیر بودن همسران رسول در انتخاب دنیا و زینت‌های آن و خدا و رسول و زندگی اخروی سخن می‌گوید. در این سیاق احکامی در مورد همسران رسول مطرح شده است، همان‌ها که در سیاق اول مادران مؤمنان معرفی شده‌اند. از آنجا که همسران رسول خدا یعنی کسی که اولی به نفس مؤمنین و اسوه آنهاست، نقش مهمی دارند در قبال انجام فحشاء عذاب مضاعف و در قبال قانت بودن پاداش مضاعف دریافت می‌کنند. «وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تَعْمَلْ صَالِحًا...» همان‌طور که قبلاً بیان شد قانت بودن به معنای اطاعت (خازن، ۱۴۱۵، ج ۳:۴۲۴) یا مداومت بر طاعت (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۴:۲۳۰) است در واقع خدا پاداش مضاعف خدا به همسران رسول در مقابل اطاعت آنها از خدا و رسول می‌باشد چنان که در ابتدای سیاق رسول خود را مخاطب قرار داده و از او می‌خواهد همسرانش را در انتخاب خدا و رسول و دنیا و زینت‌های آن مخیر کند، هنگامی که آنها خدا و رسول را برگزینند آن‌گاه از آنها قانت بودن یعنی مطیع خدا و رسول بودن را می‌خواهد و در نهایت اهل بیت را سرمشق و الگوی آنها قرار می‌دهد. «وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَ اقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ

«آتَيْنَ الزَّكَاةَ وَ أَطَعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً» (احزاب/۳۳) در این سیاق احکامی در مورد همسران رسول و قنوت و اطاعت آنها از رسول خدا مطرح شده است. نکته این سیاق این است که حتی همسران رسول خدا که از سوی خدا ام‌المؤمنین معرفی شده‌اند، نیز باید مطیع خدا و رسول باشند و صرف نزدیکی به رسول (ص) آنها را از این قاعده مستثنی نمی‌کند و از آنجا که وعده خدا حق است، اگر گناهی مرتکب شوند عذاب مضاعف برای آنها می‌باشد، چنان که در سوره تحریم هم به این موضوع اشاره شده است «فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئاً» (تحریم/۱۰) (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۱:۲۳۷) نکته مهم دیگر سیاق، معرفی اهل بیت در سوره‌ای با محوریت موضوعی اطاعت و در سیاقی است که همسران پیامبر مخاطب آیاتش هستند و امکان انتخاب متاع دنیا در مقابل انتخاب الله و رسول و آخرت، برای آنان امکانی شدنی و ممکن معرفی شده است و از همین رو با فرض هریک از انتخابها، وعده اجر عظیم و یا وعید عذاب مضاعف به آنان داده شده است. درج جملات تطهیر در انتهای آیه ۳۳ و بیان دو انحصار، یکی انحصار اراده خداوند در تطهیر اهل بیت و دوم انحصار این تطهیر در اهل بیت (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶:۴۶۲) و همراستا بودن این جملات با موضوع حاکم بر سوره -موضوع محوری- که همان اطاعت از الله و رسول است، خود نشان دهنده این است که سوره در این موضع، مطهرین از رجس را معرفی می‌کند که اطاعت از آنان در راستای اطاعت از الله و رسول است و تلائم و تناسب این جملات را با موضوع سوره، آیات سیاق و نیز فرازهای پیشین آیه ۳۳ نشان می‌دهد.

۴.۸ سیاق چهارم: مؤمنین و مسئله اطاعت

در آیه آغازین سیاق، مضمون اطاعت از خدا و رسول در تقابل با واژه عصیان قرار گرفته است چون بیان می‌کند سزاوار نیست که مؤمنان امری غیر از آنچه خدا و رسول، فرمان داده‌اند، اختیار کنند (مراغی، ج ۱۴:۲۲) و در پایان آیه نتیجه عصیان از خدا و رسول را ضلالت مبین بیان می‌کند، «وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا» (احزاب/۳۶) سپس به داستان ازدواج پیامبر با زینب همسر زید، پسرخوانده رسول خدا اشاره می‌کند تا عملاً به ابطال رسم تبنی پردازد. در این سیاق نمونه عملی اطاعت رسول از خدا مطرح شده است. پیامبری که اسوه معرفی شده، خود مطیع فرمان الهی است، خداوند از رسول (ص) می‌خواهد با همسر پسر خوانده خود

تحلیل سوره احزاب براساس واژه ... (حمیده حسنی حسین آبادی و دیگران) ۴۱

ازدواج کند، ازدواجی که از نظر اعراب جاهلی درست نیست، اما پیامبر خدا که مطیع فرمان الهی است آن را انجام می‌دهد و اینگونه بر رسم جاهلی تبنی و حلیت ازدواج با مطلقه پسرخوانده به صورت عملی خط بطلان می‌کشد. (سیدقطب، ۱۴۲۵، ج ۵:۲۸۶۶) در ادامه خداوند خاتم النبیین بودن پیامبر را بیان می‌کند «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ» این آیه بیان می‌کند که پس از رسول خدا (ص) پیامبری نخواهد بود؛ لذا سبب تأیید مطاع بودن اهل بیت در سیاق قبل می‌شود.

مطلب مهم سیاق این است که خداوند عصیان از خدا و رسول را ضلالت مبین معرفی می‌کند، سپس نمونه عینی اطاعت رسول از خدا را بیان می‌کند تا مردم بدانند فرمان خدا و رسول هر چند سخت باشد و مخالفت مردم را به همراه داشته باشد باز باید مطیع فرمان خدا و رسول بود؛ زیرا نافرمانی از آنها ضلالت مبین را در پی دارد.

۵.۸ سیاق پنجم: شأنیت پیامبر در مسئله اطاعت

سیاق پنجم از آیه ۴۱ تا ۴۸ شئونی را برای پیامبر بیان می‌کند. خداوند پیامبر را شاهد، بشیر، نذیر و داعی الی الله معرفی می‌کند که این شئون سبب تأکید بر مطاع بودن پیامبر می‌شود. از نظر مفسران، شاهد در آیه ۴۵ سوره احزاب، «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» (احزاب/۴۵) به این معنا است که پیامبر متحمل شهادت بر اعمال مردم در دنیا و ادای آن در قیامت است. (زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۲۲:۴۷ و طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶:۳۳۰) با توجه به این مطلب می‌توان گفت پیامبری که شاهد بر اعمال مردم در قیامت است شایستگی مطاع بودن را دارد. در ادامه سیاق، باز پیامبر از اطاعت منافقان و کافران نهی شده و به توکل بر خدا و واگذار کردن منافقان امر شده است که این مسأله قبلاً در سیاق اول مطرح شده بود و این تکرار و تأکید اهمیت این مطلب را می‌سازد. با توجه به این سیاق می‌توان گفت خدا شئونی را در پیامبر قرار داده که او را شایسته مطاع بودن می‌کند هر چند در سیاق‌های قبل اولی به نفس مؤمنین و اسوه نیز معرفی شده بود.

۶.۸ سیاق ششم: وجوب اطاعت از رسول

سیاق ششم شامل آیات ۴۹ تا ۶۲ می‌باشد که با مخاطب قرار دادن مؤمنان به یکی از حکم‌های طلاق اشاره کرده سپس با مخاطب قرار دادن رسول خدا زنانی که برای ازدواج با پیامبر

حلال هستند را معرفی می‌کند. پس از آن به کیفیت مهمان رسول خدا شدن اشاره کرده است. در آیه ۵۶ صلوات خدا و ملائکه بر رسول خدا را بیان کرده و در پایان آیه با مخاطب قرار دادن مؤمنان آنها را به صلوات و سلام بر رسول امر می‌کند. در آیه بعد به طور صریح از اذیت رسول و مؤمنان نهی کرده و آن را گناه بزرگی بیان می‌کند، سپس با مخاطب قرار دادن پیامبر، همسران رسول و زنان و دختران مؤمنین را به استفاده از جلابیب امر می‌کند تا از اذیت در امان باشند. در این سیاق آیه صلوات آمده است «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب/۵۶) با توجه به معنای «سلموا» این نتیجه به دست می‌آید که اطاعت از خدا و رسول انسان را به درجه تسلیم می‌رساند همان صفتی که حضرت ابراهیم در دعایش از خدا برای خود و امتش درخواست می‌کند. «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةٌ مُسْلِمَةً لَكَ» (بقره/۱۲۸) نکته جالب اینکه تسلیم در دو سوی اطاعت قرار گرفته است در ابتدا باید ظاهرا تسلیم شد و اسلام آورد سپس با طی مراحل ایمان به درجه تسلیم قلبی رسید که این درجه جز با مطیع امر خدا و رسول بودن حاصل نمی‌شود.

۷.۸ سیاق هفتم: عاقبت و نتیجه اطاعت

در سیاق آخر سوره یعنی از آیه ۶۳ تا ۷۳ در ابتدا پرسش کسانی را که با استهزاء زمان قیامت را می‌پرسیدند، آورده و با طرح پرسشی در پاسخ آنها، به شدیدترین نحوی قریب بودن قیامت را بیان می‌کند، در ادامه، خداوند با مخاطب قرار دادن مؤمنان در دو آیه پیاپی از آنها می‌خواهد که پیامبر اکرم را نیازارند و همچون مردمی نباشند که حضرت موسی را آزدند و پاداش اطاعت از خدا و رسول را فوز عظیم بیان می‌کند. در این سیاق عاقبت و نتیجه اطاعت را بیان کرده است. اطاعتی که لوازم آن در سیاق‌های قبل مطرح شده بود. کسانی که مطیع خدا و رسول نبودند در آخرت حسرت می‌خورند و پشیمان می‌شوند (فخر رازی، ج ۲۵، ص ۱۸۵) آنها می‌گویند ما مطیع سادات و بزرگان خود بودیم و گمراه شدیم و با ابراز پشیمانی می‌گویند کاش مطیع خدا و رسول بودیم «يَوْمَ تَقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ» (احزاب/۶۶) و در عوض خداوند دست یافتن به فوز عظیم را منوط به اطاعت از خود و رسول کرده است «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا». (احزاب/۷۱) (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۳: ۳۳۶)

۹. نتیجه گیری

موضوع محوری سوره احزاب که با توجه به قواعد تحلیل متن به دست آمده عبارت از اطاعت از خدا و رسول و در راستای آن، اطاعت از مطهرین از رجس است و واژه کلیدی این سوره واژه اطاعت می باشد. سوره احزاب در صدد اصلاح سبک زندگی مؤمنین بر پایه اطاعت از خدا و رسول است که در تحلیل متن سوره احزاب بر اساس واژه کلیدی اطاعت، لوازم اطاعت و نتایج آن به دست آمده است. در این سوره ابتدا از اطاعت کافران و منافقان نهی شده و یکی از نتایج این اطاعت را پذیرش خرافات و رسوم جاهلی بیان می کند. سپس خداوند به معرفی پیامبر و اهل بیت او که شایستگی مطاع بودن را دارند، می پردازد. خداوند برای رسول خود شئونی از جمله اولی به نفس مؤمنین، بشیر، نذیر، داعی الی الله و شاهد معرفی می کند تا تأکیدی بر شایستگی مطاع بودن او داشته باشد. همچنین بیان می کند که توکل به خدا انسان را در اطاعت از خدا و رسول موفق می دارد و این امر دو بار در سوره مطرح شده و اهمیت این موضوع را می رساند. برای مطیع خدا و رسول بودن لوازمی وجود دارد که در این سوره به آن اشاره می کند. تقوا و تبعیت از وحی و رسول خدا (ص) از جمله این لوازم است. تأسی به رسول نیز از جمله لوازمی است که در این سوره مطرح شده و کسانی موفق به تأسی از رسول می شوند که به خدا و روز آخرت ایمان دارند. کسانی که از این لوازم استفاده کنند و مطیع خدا و رسول باشند، راه خود را خواهند یافت و از آنجا که عصیان خدا و رسول نکرده اند از راه گمراه نخواهند شد و در نهایت مطیع خدا و رسول بودن آنها سبب می شود آنها به مرحله اعلای تسلیم برسند و در دنیا به ایمان و تسلیم افزونتر نائل شوند و در آخرت به فوز عظیم و پاداش بیکران برسند.

کتابنامه

- قرآن کریم، (۱۳۸۷)، ترجمه ابوالفضل بهرامپور، تهران: آوای قرآن.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، (۱۴۲۲)، زاد المسیر فی علم التفسیر، لبنان - بیروت: دارالکتاب العربی.
- ابن عاشور، محمداطاهر، (۱۴۲۰)، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، لبنان، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی
- ابن فارس، أحمد، (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، قم: منشورات مکتب التبلیغ الإسلامی التابع للحوزة العلمیة فی قم، چاپ اول.

- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دارصادر.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)، لبنان - بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- بقاعی، ابراهیم بن عمر، (۱۴۲۷ق)، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- پاکتچی، احمد، (۱۳۹۶ش)، روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- ثعلبی، احمد بن محمد، (۱۴۲۲ق)، الكشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، لبنان - بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۴ش)، تفسیر تسنیم، قم مرکز نشر اسراء.
- حوی، سعید، (۱۴۲۶ق)، الاساس فی التالسلام مصر، قاهره: دار السلام، چاپ ششم.
- خازن، علی بن محمد، (۱۴۱۵ق)، تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل، لبنان - بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- خامه گر، محمد، اصول و قواعد کشف استدلالی غرض سوره های قرآن، بی جا: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۰۴ق)، المفردات فی غریب القرآن، بی جا: دفتر نشر کتاب.
- زحیلی، وهبه، (۱۴۱۱ق)، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، سوریه - دمشق: دارالفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۳۸۶ش)، مقدمه الادب، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی.
- سبزواری، محمد، (۱۴۰۶ق)، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، لبنان - بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- سمرقندی، نصر بن محمد، (۱۴۱۶ق)، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، لبنان - بیروت: دارالفکر.
- سیدقطب، ابراهیم حسین، (۱۴۲۵ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، لبنان، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، (۲۰۰۸)، التفسیر الکبیر تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، اردن، اربد: دارالکتب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۲ق)، جوامع الجامع، قم: حوزه علمیه قم.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
- طنطاوی، محمد سید، (۱۹۹۷م)، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، مصر - قاهره: نهضة مصر.

تحليل سورة احزاب براساس واژه ... (حميده حسنى حسين آبادى و ديگران) ۴۵

- طيب، عبدالحسين، (۱۳۶۹)، اطيب البيان فى تفسير القرآن، تهران: ناشر اسلام
فراهيدى، خليل بن احمد، (۱۴۱۰)، كتاب العين، قم: چاپ دوم.
فخر رازى، محمد بن عمر، (۱۴۲۰)، التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، لبنان، بيروت: دار إحياء التراث
العربى.
قرشى بنايى، على اكبر، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران: دارالكتب الاسلاميه.
كاشانى، فتح الله بن شكرالله، (بى تا)، منهج الصادقين فى إلزام المخالفين، تهران: كتابفروشى اسلاميه.
كيانزاد، رضا، (۱۳۸۰)، المعجم المفهرس لكشف آيات القرآن، تهران: كيان كتاب.
مراغى، احمد مصطفى، بى تا، تفسير المراغى، لبنان، بيروت: دارالفكر، چاپ اول.
مصطفوى، حسن، (۱۳۶۸)، التحقيق فى كلمات القرآن الكريم، تهران: چاپ اول.
مكارم شيرازى، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسير نمونه، تهران: دار الكتب الإسلاميه، چاپ دهم.
مغنيه، محمدجواد، (۱۴۲۴)، تفسير الكاشف، قم: دارالكتب الاسلاميه.